

دوفصلنامه علمی «پژوهش سیاست نظری»

شماره سی و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۳: ۳۳-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

نقش استعاره جنگ در مفهوم‌سازی هومر از سیاست

سیدهاشم منیری*

سید حسین اطهری**

مهدی نجف‌زاده***

روح‌الله اسلامی****

چکیده

هدف این پژوهش آن است که به فهم و چرایی کاربرد استعاره‌های مفهومی در حوزه‌های مختلف سیاست که نمودی از حوزه عمومی است، با فراهم‌آوری مدل نظری جورج لیکاف و مارک جانسون بپردازد. گوهر سیاست با عمل در ارتباط است و از دو پیش‌فرض فرمان‌دهی و فرمان‌برداری و دوست و دشمن تشکیل می‌شود. غایت آن نیز ناگزیر از هدفی مشخص و دست‌یافتنی که همانا حفاظت از اجتماع و پیروزی در جنگ و سیاست است، استفاده می‌کند. بنابراین فرایند شناختی و مفهوم‌سازی سیاست به وسیله مقوله جنگ فراخوانده می‌شود. پرسش اصلی این است که مفهوم‌سازی سیاست در ایلید هومر بر چه استعاره‌های مفهومی استوار است. با مقوله‌سازی هشت حوزه حمله، دفاع، عقب‌نشینی، مانور، ضد حمله، بن‌بست، ترک مخاصمه و شکست/ پیروزی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان استعاره‌های مفهومی را که بر اساس رویکرد حسی- حرکتی و برآمده از ذهن بدنمند است، در دو مؤلفه «عمل» (جنگ) به عنوان گوهر سیاست و «سخن‌آرایی» مفهوم‌سازی کرد. بدین ترتیب حوزه مفهومی سیاست

* دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی (گرایش اندیشه‌های سیاسی)، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir

athari@um.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

m.najafzadeh@um.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

Eslami.r@um.ac.ir

**** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران



(مقصد) بر حسب حوزه مفهومی جنگ (مبدأ) فهمیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: استعاره مفهومی، جورج لیکاف، مفهوم‌سازی سیاست، جنگ و ایلید.



مقدمه

«سیاست» در گسترده‌ترین معنای خود، فعالیت است که مردم از طریق آن، قواعد کلی زندگی خود را تعیین، حفظ و اصلاح می‌کنند و از این‌رو با پدیده‌های درگیری و همکاری پیوند تنگاتنگ دارد و لازم است برای حل درگیری، منازعات و مسائل ایجادشده، خط‌مشی لازم برای برون‌رفت آن در نظر گرفته شود (هیوود، ۱۴۰۰: ۹). یکی از راه‌های ممکن برای حل مسائل و منازعات پدیدار شده، جنگ است. در جنگ، میدان سیاست به دو گروه دوست/ دشمن تقسیم می‌شود (اشمیت، ۱۴۰۰: ۵۵) و هر کدام تلاش دارند نیازهای متناقض و منافع متضاد خود را بر اساس اصل سازش و یا یک گام بیشتر، با جنگ حل کنند. فرایند، شیوه و زمینه ایجاد چنین بستری با ماهیت موضوع علم سیاست که به اعمال قدرت، اعمال اقتدار، گرفتن تصمیم‌های جمعی و توزیع منابع کمیاب شناخته می‌شود، پیوند تنگاتنگی می‌یابد و بازتاب چنین اعمالی که در حوزه عمومی، اجتماع و امر سیاسی^۱ پدیدار می‌شود، با زبان، ذهن و فرهنگ مرتبط است. در این چارچوب، ورود عبارتهای استعاری و مفهوم‌سازی سیاست برای انتقال و اقناع مخاطبان علاوه بر زندگی روزمره، در ادبیات سیاسی خود را بروز می‌دهد (Boeynaems & al, 2017: 119). هنر حکومت کردن، اعمال نظارت و اجرای تصمیم‌های جمعی، نسبت تنگاتنگی با اقناع‌سازی و در نتیجه مفهوم‌سازی «سیاست» دارد؛ چراکه سیاست به دلیل خصلت خیر عمومی (ارسطو، ۱۴۰۰: ۱۴) و فعالیتی که دو وجه عرصه تنگ حکومت (امر سیاسی) و عرصه وسیع زندگی (امر عمومی)، هر دو را توأمان همراه دارد، کاربرد استعاره را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

جورج لیکاف و مارک جانسون با کتاب دوران‌ساز خود به نام «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم»، با نقد استعاره سنتی که محدود به بلاغت، آرایه‌های ادبی و زیبایی‌شناسی بود، به طرح نظریه استعاره جدید به نام «استعاره‌های مفهومی»^۲ پرداختند که علاوه بر اهمیت استعاره در زندگی روزمره، همه جنبه‌های نظریه قدرتمند

1. The Political

2. Conceptual Metaphor

سنتی را به صورتی منظم و منسجم زیر سؤال بردند و با طرح ادعاهای خود تأکید نمودند که استعاره، ویژگی مفاهیم است نه واژه‌ها؛ نقش استعاره، فهم بهتر برخی مفاهیم است، نه صرفاً به منظورهای هنری؛ و سرانجام اینکه استعاره، یک فرایند اجتناب‌ناپذیر از اندیشه و استدلال انسان است و نه یک چیز زائد که ممکن است نوعی تزئین خوشایند تلقی شود (کوچش، ۱۳۹۸: ۱۲).

بنابراین کاربرد استعاره‌های مفهومی علاوه بر سخنرانی‌ها، پیکره‌های سیاسی، مذهبی، تبلیغاتی و ادبی را هم در بر گرفت. یکی از پیکره‌هایی که محتوای آن با «سیاست» و «میدان سیاسی» و مقوله‌های مرتبط با آن پیوند خورده، کتاب «ایلیاد» منتسب به هومر است که آن را در ۲۴ فصل سروده و در هر بخش از این کتاب‌ها با استعاره‌های متعددی، سیاست را مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی نموده است. تاکنون هیچ پژوهشی، مفهوم‌سازی سیاست را به روش استعاره‌های مفهومی در کتاب ایلیاد هومر به کار نبرده است و وجه تفاوت آن با دیگر پژوهش‌ها در نگاه انتقادی به سیاست، کاربرد استعاره‌های مفهومی و نه کاربرد بلاغی، آرایه‌ای و سبک‌شناسی به پیکره و نگاه کاربردی و روشی آن در سیاست است.

ضرورت و اهمیت مقاله برای مخاطب ایرانی از آن جهت است که نخست فهم جایگاه و کارکرد «قهرمان» در پولیس‌های پیشاسیاسی یونانی که «پارادایم جنگ» محوریت عمده سیاست را به عنوان یک جایگزین نهادی به عهده دارد. این تمایز در مقایسه با نقش «پهلوان» در ادبیات حماسی، به‌ویژه در شاهنامه فردوسی که بیشتر بر فضیلت‌مندی سوژه، خوبی و کار «درست» تکیه دارد، قابل مشاهده است. در ادبیات یونانی، آرته قهرمان، «بهترین در هر نوع» (شتمر، ۱۳۹۴: ۳۴۲) است. همچنان که ثراسوماخوس در جمهوری افلاطون می‌گوید ظالم نیز می‌تواند خوب باشد (افلاطون، جمهوری: ۳۴۸). از این‌رو معنای «آرته» در زبان یونانی، گسترده‌تر از چیزی است که از واژه فضیلت مراد می‌کنیم. آرته هرچند بر فضیلت اخلاقی نیز دلالت دارد، دایره اطلاق آن صرفاً اخلاقی نیست. آرته،

کیفیتی است که هر چیزی با داشتن آن، کار یا نقش^۱ خود را به خوبی انجام می‌دهد. اما در ادبیات سیاسی ایران، چنین چیزی مشاهده نمی‌شود.

مدعای این پژوهش این است که استعاره‌های موجود در پیکره ایلید، تنها محدود به ادبیات و یا حوزه زیبایی‌شناسی نیست؛ بلکه غالباً با توجه به جامعه آریستوکراتیک یونان باستان و اعمال قهرمانانه افرادی که الگو و حامل فرهنگ والای یونانی بودند (یگر، ۱۳۹۳: ۲۲)، نقش آمیخته پرننگ مفاهیم سیاست با استعاره مشاهده می‌شود. بنابراین این پژوهش تلاش دارد تا با اکتشاف و استخراج عبارت‌های استعاری و تعیین، تبیین و تفسیر آنها به این پرسش پاسخ گوید که مفهوم‌سازی سیاست در کتاب ایلید منتسب به هومر بر چه «استعاره‌های مفهومی» استوار است. نویسندگان تلاش دارند تا با استفاده از کاربرد روش نوین استعاره مفهومی در سیاست و جنگ، اکثر متون و گفتارها را قابل فهم و مورد شناخت قرار دهند. بدین خاطر، کتاب ایلید را به عنوان یک نمونه مثالی برای مفهوم‌سازی در سیاست انتخاب و روش استعاره مفهومی را در آن اعمال می‌کند.

ادبیات نظری

علوم شناختی^۲ از جمله دانش‌های جدیدی است که از سال‌های دهه ۱۹۷۰ آغاز شده و مدعی است که نظام‌های مفهومی و خرد ما برخاسته از بدن‌های ماست و تأکید دارد که شناخت ما بر جنبه‌هایی از نظام حسی- حرکتی بنا شده است که در توانایی ما برای مفهوم‌سازی و خرد به کار می‌رود (Gibbs, 2017: 64). در واقع علوم شناختی درباره مفهوم‌سازی تجربه‌ها و چگونه اندیشیدن انسان سخن می‌گوید و اظهار می‌کند که ذهن اساساً جسمانی است، اندیشه عمدتاً ناآگاهانه است و مفاهیم انتزاعی عمدتاً استعاری هستند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۹: ۱۹/۱).

اما در مقابل ذهن جسمانی^۳ (ذهن بدنمند)، فلاسفه تحلیلی از جمله دونالد دیویدسون و نوام چامسکی قرار دارد که بر اساس دیدگاه شرط صدق، معنای لفظی را

1. ergon

2. Cognitive Science

3. The Embodied Mind

مستقل از بافت در نظر می‌گیرد و به پس‌زمینه معنی دانش‌نامه‌ای^۱ تداعی‌های فرهنگی بی‌توجه است (اونز و گرین، ۱۳۹۹: ۳۸۷). اساساً استعاره‌ها در دو عنصر معنی دانش‌نامه‌ای (دائرةالمعارفی) و بافت که چارچوب فرهنگ و پیش‌نمونه‌ها، عنصر مقوم آن هستند، ساختمند می‌شوند و جهانی بودن استعاره‌های بنیادین را بازتاب می‌دهد (Stojan & Novak Mijic, 2019: 71). زولتان کوچش در این رابطه می‌گوید که برخی از استعاره‌ها، جهانی هستند و آن‌هم بدین خاطر است که ما به عنوان بشر در برخی از عملکردها به هم شباهت داریم. دست کم در سطح ادراکی نسبتاً مشابه هستیم، «چراکه برهم‌کنشی بدن ما با محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی ریشه در تجربه حسی- حرکتی ما دارد» (جانسون، ۱۳۹۹: ۷۴)؛ مانند این استعاره مفهومی که «شادی، نور است» یا «فرد خشمگین، ظرف تحت فشار است». اما در عین حال او اضافه می‌کند که در مفهوم‌سازی بینا فرهنگی و روابط فضایی موجود در طرح‌واره‌های تصویری که پرکاربردترین مرجع برای مفهوم‌سازی است، روش‌های گوناگون و متفاوتی وجود دارد (کوچش، ۱۳۹۴: ۱۱۳). فیلمور و لانگاکر نیز به ترتیب با عبارت «چارچوب^۲» و «دامنه^۳» بر آن هستند که تجربه‌های ذهنی را در چارچوب معناشناسی شناختی که بر دیدگاه دانش دانش‌نامه‌ای استوار است، مفهوم‌سازی کنند (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۹: ۷۷).

در نزد فیلمور، واژه‌ها وابسته به چارچوبند، که بدین معناست که «معنا» وابسته به هر واژه خاص نمی‌تواند مستقل از چارچوبی که به آن وابسته است فهمیده شود. فیلمور، اصطلاح‌های شکل و زمینه را به منظور تمییز بین یک مفهوم واژگانی خاص (معنای خاصی که توسط واژه نامیده می‌شود) و چارچوب پس‌زمینه‌ای که واژه نسبت به آن فهمیده می‌شود، برمی‌گزیند (اونگر و اشمیت، ۱۳۹۷: ۲۷۷). بنابراین مفهوم چارچوب، یک بُعد مفهومی و یک بُعد فرهنگی دارد. چنان‌که فهم واژه «آخر هفته» مستلزم دانشی است که به روزهای پنجشنبه و جمعه اشاره می‌کند، نه روزهایی که مثلاً شنبه و یکشنبه

1. Meaning Encyclopaedic
2. Frame
3. Domain

می‌نامیم. بخشی از پایگاه دانش مربوط به واژه «آخر هفته» مستلزم فهم برخی الگوهای خاص فرهنگی است (لی، ۱۳۹۷: ۲۴).

رونالد لانگاکر، با طرح نظریه «دامنه»، تاحدی کاستی‌های نظریه چارچوب فیلمور را بهبود بخشید. نظریه دامنه مبتنی بر این فرض است که معنی، دانش‌نامه‌ای است و مفهوم واژگانی نمی‌تواند مستقل از ساختارهای دانش بزرگ‌تر فهمیده شود. لانگاکر این ساختارهای دانش را حوزه‌ها می‌نامد (اونز و گرین، ۱۳۹۹: ۳۰۷). حوزه‌ها اساساً هستی‌های شناختی، تجربه‌های ذهنی، فضای بازنمودی یا ترکیب‌های مفهومی هستند (Langacker, 1987: 147). تنها پیش‌شرطی که هر ساختار دانش باید داشته باشد تا حوزه محسوب شود این است که اطلاعات پس‌زمینه‌ای فراهم سازد که نسبت به آن مفاهیم واژگانی بتواند فهمیده شوند و در زبان به کار روند. مثلاً عباراتی چون داغ، سرد و ولرم، مفاهیم واژگانی‌ای را در حوزه «دما» مشخص می‌سازند (اونز و گرین، ۱۳۹۹: ۳۰۸).

از جهت دیگر، النور رُش در حوزه روان‌شناسی شناختی، مفهوم کلاسیک «مقوله» را با طرح نظریه «پیش‌نمونه» زیر سؤال برد. کلاسیک‌ها، از ارسطو تا ویتگنشتاین، فرض می‌کردند که مقوله‌ها ظرف‌های انتزاعی‌اند که پدیده‌ها یا در «داخل» و یا در «خارج» آنها قرار دارند. همچنین در نزد کلاسیک‌ها دو مسئله ثابت بود: الف) مقوله‌ها با ویژگی‌های که در همه اعضا مشترک است و دارای شرط لازم و کافی هستند، تعریف می‌شوند. ب) مقوله‌ها فقط با ویژگی‌های ذاتی در میان اعضا تعریف می‌شوند و بالطبع مستقل از انسان و «از پیشی»‌اند (لیکاف، ۱۴۰۰: ۲۸/۱). رُش با طرح نظریه «پیش‌نمونه» ادعا کرد برخلاف نظریه کلاسیک‌ها، مقوله‌ها در کل دارای «بهترین نمونه» هستند. اما این نظریه نیز با مشکلات متعددی نظیر «مشکل نادیده گرفتن و خطا»، مثلاً یک مفهوم با ساختار پیش‌نمونه‌ای می‌تواند به غلط شامل نمونه‌ای باشد که در واقع جزء آن مقوله محسوب نمی‌شود (مثلاً هر خانم پیر با موهای خاکستری و عینک نمی‌تواند جزء مقوله مادر بزرگ باشد)؛ مشکل پیش‌نمونه مفقوده که در آن برخی مقوله‌ها فاقد پیش‌نمونه‌اند، یا وجود خارجی ندارد مانند ملکه آمریکا. و سرانجام مشکل ترکیبی بودن که وجود بعضی از

مفاهیم مثل «اردک ماهی» که پیش نمونه اردک آن، پرنده‌ای با منقار است و بخش دوم آن، پیش نمونه ماهی‌ای هست به رنگ خاکستری، پولک‌دار و آبزی. این دو پیش نمونه به هیچ وجه با هم توانایی ارائه پیش نمونه مفهوم اردک ماهی را ندارد (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۰۴)، زیرا هر کدام به دو حوزه متفاوت تعلق دارند.

جورج لیکاف در ادامه نظریه رُش استدلال می کند که دانستن پیش نمونه یا اثر پیش نمونه با بازنمایی شناختی، خطاست. بنابراین الگوی شناختی آرمانی شده را ارائه می دهد که فاقد نارسایی های موجود در نظریه پیش نمونه است. لیکاف با بسط نظریه ساختار مقوله بندی در سطح شناختی، بر آن شد تا نظریه ای برای شکل گیری مفاهیم ذهنی ارائه دهد که هم زبانی باشد و هم غیر زبانی باشد. او نظریه الگوهای شناختی آرمانی شده مفاهیم انتزاعی معنا را از طریق مفاهیم ملموس تر، مفهوم سازی کرد. این مفهوم سازی از ملموس ترین تا انتزاعی ترین که شامل طرحواره ای- تصویری، گزاره ای، استعاری، مجازی و نمادین است، درک ما را از جهان واقعی و جایگاه استعاره را در اندیشه بازتاب می دهد و مدعی است که استعاره های مفهومی، پایه های تجربی دارند و علاوه بر اینکه می توان آنها را از لحاظ ساختاری، هستی شناسی و جهت- فضایی تقسیم کرد (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۰: ۲۳ و ۳۷)، در چهار استعاره تصویری رایج که عبارتند از استعاره ظرف، استعاره مسیر، استعاره حلقه، استعاره جزء و کل، ساختار بندی نمود (کوچش، ۱۳۹۹: ۳۴۲).

مقوله سیاست نیز به عنوان حوزه عمومی، زندگی روزمره و دوست/ دشمن تقسیم می شود و دستیابی به قدرت و دفاع از اجتماع از کلیدی ترین مفاهیم آن است که با حوزه جنگ و معانی همبسته با آن، ساختار بندی می شود. این پژوهش تلاش دارد تا با مدنظر قرار دادن این پرسش که مفهوم سازی سیاست در کتاب ایلید منتسب به هومر بر چه استعاره های استوار است، به چرایی این مسئله بپردازد که کاربرد استعاره ها در کتاب ایلید، چه رابطه ای را میان مفهوم سازی استعاره در سیاست، جنگ و شناخت جسمانی برقرار می کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کاربردی است و به روش کیفی- اکتشافی انجام یافته و داده‌های مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. پس از به روی کاغذ آوردن متن و تبدیل آن به «وُرد» با استفاده از «زبان‌شناسی پیکره‌محور» به عنوان حوزه‌ای از زبان‌شناسی که به تحلیل مجموعه‌های بسیار بزرگی از «پیکره» می‌پردازد (لیتوسلیتی، ۱۳۹۶: ۱۴۰)، با استفاده از نرم‌افزار «تحلیل داده‌های کیفی^۱»، پیکره مورد پژوهش، کدگذاری، تعیین مفاهیم و مقوله‌بندی شده است.

ساختار روش استعاره مفهومی

اندیشه استعاری در زندگی ذهنی ما، اعم از آگاه و یا ناآگاه، عادی و همه‌جا حاضر است و صرفاً محدود به شعر، بلاغت و آرایه‌های ادبی نیست؛ بلکه بنا بر مدعای لیکاف و جانسون در زندگی روزمره و در عادی‌ترین مفاهیم، نظیر رویدادها، علیت، عاطفه، اخلاق و از جمله سیاست و قدرت حضور دارد (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۰: ۲۸۶). حضور همه‌گستر و عمومی حوزه‌های زبان سیاسی در جامعه، ارجاعی است به نقش و جایگاه ایدئولوژی سیاسی و به‌ویژه سیاست و کارگزاران آن در عرصه میدان سیاست و جامعه که دو چارچوب کنش‌گذاری و کنش‌پذیری را شامل می‌شود و این تأثیرگذاری به صورت «غیر مستقیم» و با استفاده از انتقال مفاهیم استعاری از گوینده به مخاطب انجام می‌گیرد. در فرایند انتقال مفهومی، بعضی از جنبه‌های عبارات استعاری برجسته^۲ می‌شوند و یا برخی از جنبه‌های واقعیت، پنهان^۳ می‌گردند (همان: ۱۷).

فهم آن چیزی که توسط استعاره پنهان شده است، به فرهنگ، ارزش و بافت مرتبط است؛ چراکه فراخوانی عبارات استعاری مبدأ جهت فهم حوزه هدف در چارچوب فرهنگی و مقوله‌های جایگزین در پیش‌نمونه امکان‌پذیر است (کوچش، ۱۳۹۹: ۳۲ و ۵۳۹).

1. MAXQDA

2. Highlighting

3. Hiding

در واقع نظام‌مندی استعاری از نگاشتی میان- حوزه‌ای بین دو حوزه مبدأ و مقصد تشکیل شده است که یکی برحسب دیگری، بر اساس اصل تک‌جهتی از چپ به راست فهمیده می‌شود (کوچش، ۱۳۹۸: ۲۵) و وجه تمایزی را با «کنایه» که محدود به یک حوزه است، ساختار می‌بخشد (لیکاف و ترنر، ۱۳۹۹: ۱۶۶).

لیکاف، سازمان‌دهی یک نظام کامل از مفاهیم نسبت به دیگری را در سه دسته استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناسی و جهتی- فضایی ساختاربندی می‌کند. سازه استعاره‌های ساختاری بدین گونه است که یک جنبه از مفهوم، برحسب جنبه دیگر فهمیده می‌شود. استعاره‌های جهتی- فضایی^۱، برخلاف استعاره‌های ساختاری نه یک مفهوم برحسب دیگری، بلکه «یک نظام کامل از مفاهیم نسبت به دیگری سازمان‌دهی می‌شود و از این جهت، جهتی- فضایی نامیده می‌شود که بیشتر با سمت‌گیری فضایی نظیر بالا و پایین، جلو و عقب، مرکز و پیرامون در ارتباط است» (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۰: ۲۳). اما در «استعاره‌های هستی‌شناسی، فهم تجربه‌های ما برحسب اجسام و مواد است و به ما امکان می‌دهد بخش‌هایی از تجربه خود را انتخاب و با آنها به صورت هستی و ماده برخورد کنیم و علاوه بر آن بتوانیم آنها را کمی و مقوله‌بندی نماییم» (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۰: ۳۷).

بنابراین وقتی سیاست را به عنوان «جنگ» و یک «هستی» در نظر می‌گیریم، این امکان به ما داده می‌شود تا آن را کمی، مقوله‌سازی و تفسیر کنیم. در ساختار نظام استعاره مفهومی، حوزه مفهومی‌ای که ما برای فهم حوزه مفهومی دیگر، عبارت‌های استعاری را از آن استخراج می‌کنیم، حوزه مبدأ^۲ نامیده می‌شود و حوزه مفهومی‌ای که به این ترتیب فهمیده می‌شود، حوزه هدف^۳ است. حوزه مبدأ غالباً فیزیکی و عینی‌تر است و حوزه هدف، انتزاعی و ذهنی است (کرافت و کروزر، ۱۳۹۸: ۲۷۵). بنابراین جنگ نسبت به سیاست، عینی‌تر، فیزیکی‌تر و ملموس‌تر است.

رابطه و فهم دو حوزه مبدأ و هدف از مفاهیم با عبارات استعاری^۴ و نگاشت^۵ انجام

1. Spatial Orientations

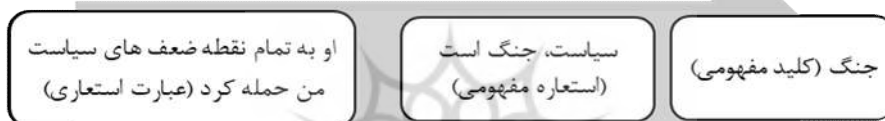
2. Source Domain

3. Target Domain

4. Metaphorical Expressions

5. Mapping

می‌گیرد. عبارات استعاری، تجلی بیرونی زبانی است که با استعاره‌های زیربنایی و یا مفهومی برانگیخته می‌شود. برای مثال، عبارات استعاری «ادعاهای شما قابل دفاع نیستند» و «او به تمام نقطه ضعف‌های من حمله کرد»، استعاره مفهومی «سیاست، جنگ است» را فرامی‌خواند (چارتیس بلک، ۱۳۹۸: ۱۸). نگاشت نیز به تناظر عناصر سازنده مبدأ با عناصر سازنده هدف گفته می‌شود که به صورت «تک‌جهتی» از مفهوم عینی‌تر به انتزاعی‌تر و از چپ به راست جریان دارد. این تناظرها، این امکان را برای اندیشه ما فراهم می‌کنند که با استفاده از دانشی که داریم، روابط بین دو حوزه را درک کنیم.



شکل ۱- الگوی سلسله‌مراتبی استعاره «سیاست، جنگ است»

مفهوم‌سازی استعاری «سیاست به‌مثابه جنگ»

سیاست به‌مثابه یک امر عمومی به لحاظ «شناختی» فاقد عرصه علم و استدلال و اغلب عرصه هوا و هوس^۱، احساس^۲ و رتوریک^۳ است که پیوند تنگاتنگی را برای پنهان‌سازی و برجسته نمودن عبارات‌های استعاری برای اقناع‌سازی، الگوسازی و مجاب کردن سوژه‌های حاضر و اثرگذاری بر نسل‌های آینده برقرار می‌سازد. این نقش با ساختاری از استعاره‌ها، مفهوم‌سازی و عملیاتی می‌شود. حوزه سیاست نیز مانند مکالمه، انسجامی از یک تجربه یا مجموعه‌ای از تجربه‌هاست که برحسب مفهوم «جنگ» ساختمان می‌شود و عرصه عمومی را تبدیل به میدان جنگ می‌کند.

وقتی سیاست‌مداری در یک مکالمه عمومی و یا یک سخنرانی شرکت دارد، به‌مثابه

1. Ἔρως Eros

2. Θυμός Passion

3. Rhetoric

فرماندهی است که در میدان جنگ حضور می‌یابد تا از ایده، سیاست، دیدگاه و یا عقیده خود دفاع کند و یا علیه دیدگاه‌ها و سیاست‌هایی که حیات جامعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی او را به خطر می‌اندازد، به فراخور زمان، حمله/ دفاع کند. بنابراین وقتی ایده‌ای دارید که برای شما مهم است و طرف مقابل آن را نمی‌پذیرد، مسئله دوست/ دشمن و پیروزی و شکست مطرح می‌شود. در این مرحله است که احساس در جنگ بودن ناشی از تجربه قرار گرفتن در یک موقعیت جنگ‌گونه حاصل می‌شود و ادراک و کنش فرد تاحدی متناظر با ادراک و کنش کسی است که درگیر در جنگ است (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۰: ۱۰۳). بنابراین «الف» عقیده‌ای دارد که برای او مهم است (داری یک موضع است)؛

«ب» به عنوان فرد دیگر با عقیده شما موافق نیست (موضع متفاوت یا مخالف دارد). برای هر دو طرف درگیر مهم است که «دیگری» از عقیده خود دست بردارد (تسلیم) و عقیده او را بپذیرد (پیروزی). در این راستا «الف» یا «ب» تلاش دارد تا برای دفاع از دیدگاه خود به نقاط ضعف حریف حمله کند، مقدمات بحث را به گونه‌ای تغییر دهد که در موضع برتر باشد و یا برای حفظ دیدگاه کلی خود مستلزم برخی تجدیدنظرها (عقب‌نشینی) و یا کوتاه آمدن (تسلیم) شود (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۰: ۱۰۴).

در کتاب ایلید منتسب به هومر نیز پادشاهان آخایی که شامل آگاممنون، پادشاه میسن و آخیلئوس، پادشاه فتی است، بر سر تقسیم غنائم و یا توزیع آمرانه ارزش‌ها و پایداری در مواضع خود با یکدیگر به جدال می‌پردازند، تاحدی که «آخیلئوس قصد داشت به وسیله تیغ تیزی که در کنار رانش آویخته بود، زاده آتره را بکشد تا خشم و کین خود را فرونشاند» (ایلید، سرود اول: ۳۶). جدال لفظی این دو دلاور یونانی، ساختار جنگ را به میدان مناظره تبدیل کرد و مواضع «حمله» و «دفاع» را تداعی نمود. آخیلئوس برای دفاع از شرافت پهلوانی، زیر پا گذاشته شدن احترام و حرمت شکسته‌شده قهرمان جنگ، ناچار به عقب‌نشینی و ترک مخاصمه می‌شود.

در عرصه سیاست نیز حفظ منافع ملی ایجاب می‌کند که برای کسب، حفظ و افزایش قدرت، بهترین وسیله را برای دستیابی به آن به کار گرفت و در کنار «حمله یا دفاع»، به «عقب‌نشینی یا مانور» روی آورد. آخیلئوس نیز برای کین کشیدن از مردم

آخایی، موقتاً از صحنه جنگ کناره‌گیری نمود و با توسل به مادر خود -الهه تتیس- از زئوس درخواست کرد تا با شکست مردم آخائی، جزای این بی‌حرمتی را پرداخت نمایند تا خشم او فروگیرد. پس از مرگ پاتروکلوس، بهترین دوست آخیلئوس، وی دوباره به عرصه جنگ باز می‌گردد و علیه تروا و قهرمانان آن به نبرد می‌پردازد. بنابراین «عمل» هم در سیاست و هم در جنگ، به عنوان گوهر امر سیاسی ترسیم می‌شود (فروند، ۱۴۰۰: ۳۵). در عصر پهلوانی جامعه هومری نیز عمل دارای دو ساحت است: جنگ و سخن‌آرایی. در سرود نهم ایلید، گفتار فونیکس به آخیلئوس یادآور این دو مؤلفه مهم است که یک جنگاور عرصه سیاست نمی‌تواند خود را صرفاً به یکی از آنها محدود کند، بلکه «هنر جنگ و هنر سخن‌آرایی، لازمه مردان در جامعه است» (ایلید، سرود نهم: ۲۱۰).

بنابراین ماهیت سیاست با جنگ و دوست و دشمن پیوند خورده و مطالعه ایلید نشان می‌دهد که استعاره مفهومی «سیاست به مثابه جنگ است»، ابزاری است برای درک شیوه خاص رویکرد شناختی به پیکره مورد نظر که نشان می‌دهد که استعاره به ماهیت زبان و سیاست نزدیک است و ریشه در خلاقیت بشری، ایدئولوژی و اندیشه دارد.

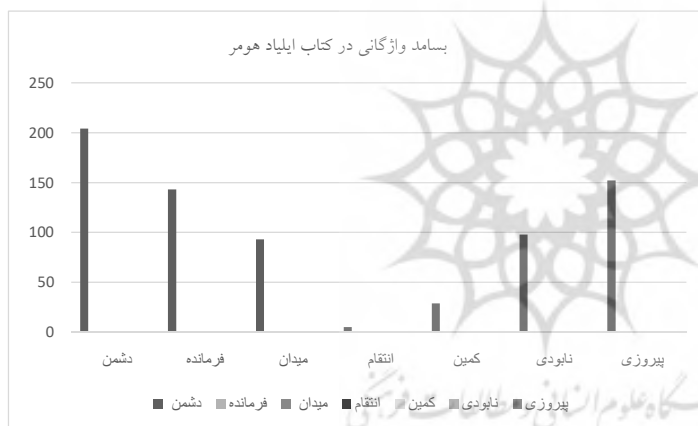
جدول ۱- قیاس‌های ساختاری مفاهیم «جنگ» و «سیاست» و تحقق‌های زبانی آنها

طرفین جنگ	رهبران سیاسی و جنگجویان، خود را برای حمله/ دفاع از دیدگاه خود آماده می‌کنند.
حمله	ستیزه‌ای شوم میان آگاممنون فرزند آتره که پادشاه مردم بود و آخیلئوس دلاور که از نژاد خدایان بود، نفاق افگند.
دفاع	یکی از ما به نوبت کنار آخیلئوس بایستد. پشتیبان نیرو و دلاوری او باشد.
عقب‌نشینی	اینک مرا وامی‌دارد که به آرگوس بازگردم و از اینکه آن همه مردان را به نابودی سپرده‌ام، ننگین شوم.
مانور	زیرا قدرت و قوت همه از آن اوست [زئوس].
ضد حمله	[آخیلئوس به آگاممنون] در کارهای سخت و پرشور، بازوهای من است که کار بزرگ از پیش می‌برد. اما چون بر سر قسمت می‌رسیم، بهترین سهم از آن توست.
ترک مخاصمه/ پیروزی/ شکست	ای یونانیان، دست نگاه‌دارید، تیرهای خود را می‌فکندید، چنان می‌نماید که هکتور دلاور می‌خواهد با ما به سخن درآید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های کمی

از پیکره بیست و چهار سرود کتاب ایللیاد، حدود ۱۵۲۶۴۰ کلمه به دست آمد که نسبت کاربرد استعاره به پیکره متن حدود ۱۳ درصد است. سپس با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی، ۵۶۵ کد استخراج، سپس آنها را به مفهوم تبدیل کرده و سرانجام در هشت مرحله مقوله‌بندی شده است. درصد فراوانی استعاره‌های زبانی به ترتیب بدین قرار است: دشمن (۲۰۴)، فرمانده (۱۴۳)، میدان (۹۳)، انتقام (۵)، کمین (۲۹)، ویرانی و نابودی (۹۸) و پیروزی (۱۵۲).



شکل ۲- کاربرد واژگان پرسامد در کتاب ایللیاد هومر برحسب «سیاست، جنگ است»

یافته‌های محتوایی

یافته‌های محتوایی و داده‌های ارائه‌شده در هشت مقوله ساختاربندی شده است که در هر مرحله به تفسیر و تبیین روابط نظری آنها با توجه به بافت پیکره و استعاره‌های استفاده‌شده به آن خواهیم پرداخت. این یافته‌ها، بخش محدودی از موارد متعددی از عبارت‌های استعاری پیکره ایلید است که انتخاب و گزینش شده است.

حمله

هرچند واژه سیاست در اصل به واژه شهر، از ریشه «پولیس»^۱ یونانی برمی‌گردد و منظور از شهر، واحدی بود که اعضایش یا شهروندان، همگی در مدیریت منافع مشترک خود شرکت داشتند، عمل حکومت کردن محدود به تعدادی افراد ممتاز و جنگاور بود که از وسایل تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌های خود برای حفظ انسجام اجتماعی جامعه برخوردار بودند. در این جامعه، زیر پا گذاشتن قواعد و شیوه‌های کسب قدرت و یا نافرمانی از نوموس، فوسیپس و دیکه (گاتری، ۱۳۷۵: ۲۳۰)، با واکنش -که سرانجام آن به حمله منتهی می‌شود- روبه‌رو می‌گردد. بنابراین چه در سیاست و چه در میدان جنگ، اگر قدرت را به صورت عمومی، قابلیت فرد «الف» برای واداشتن فرد «ب» به انجام کاری بر اساس میل «الف» تعریف کنیم، مؤلفه‌های برقراری نظم و امنیت، جزء لاینفک این مفهوم است که خشونت نیز با آن همراهی می‌کند. بنابراین تخاصم میان مردم تروا و آخائی، به دلیل زیر پا قرارگذاشتن قوانین زناشویی و مهمان‌پذیری (کسنیا)^۲ و ربودن هلن توسط پاریس، به جنگ ده‌ساله و حمله به ایلین انجامید که ناشی از فرهنگ شرم و انتظار جامعه برای جبران آن بود (Hammer, 2002: 171).

در اینجا، دو استعاره مفهومی «جزء-کل» و «ظرف» شناسایی می‌شود. ربودن و یا کشتن یکی از طرفین، به‌مثابه اعلان جنگ به همه است (جزء-کل) و مشارکت [در] جنگ، یعنی [داخل] شدن در میدان نبرد برای حمله به مواضع دشمن است (ظرف). این روش در استعاره مفهومی، به «استعاره ظرف» شناخته می‌شود.

1. Polis

2. ξενία

جدول ۲- انواع استعاره‌های حمله در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت‌های استعاری
سیاست، برخورد است.	پیروزی تروا	جنگ در میدان	چه شما برهید و چه بمیرید، باید همیشه با دشمن روبه‌رو شوید. آیین ارزندگی این است (ایلیاد، ۱۷: ۳۸۰).
تمایل، تشنگی است.	سرافرازی جاویدان	مردم آخائی	ای دوستان جنگ کنید. سرافرازی را در جان خود بدمید و در میان برخورد کارزار بترسید از آنکه در دیدگان یاران خود تا جاودان شرمسار شوید (ایلیاد، ۱۵: ۳۴۰).
استعاره جزء- کل	نبرد با هکتور	آژاکس پسر تلامون	پاهای من مرا به کارزار می‌برند، دست‌های من بی‌تابند که نبرد کنند (ایلیاد، ۱۳: ۲۸۳).
استعاره ظرف	میدان جنگ	آخیلئوس	آخیلئوس در میان هنگامه فرو رفت (ایلیاد، ۲۰: ۴۳۳).
خشم، دیگ جوشان است.	ژئوس	خشم هرا	هرا نتوانست آن خشم را در دل نگه دارد (ایلیاد، ۴: ۹۸).
اهداف، مقصد است.	میدان جنگ	لشگر تروا و لشگر آخائی	دو لشگر در دشت به هم رسیدند، سینه‌بندها و نیزه‌ها و خشم‌ها به هم خورد (ایلیاد، ۸: ۱۸۱).

منبع: (یافته‌های پژوهش)

دفاع

مقوله دفاع را می‌توان به دو صورت مفهوم‌سازی کرد: دفاع از مواضع خود و دفاع از دیگران، که حوزه‌های انتزاعی و عینی از عقیده، دیدگاه و یا منافع یک شهر را شامل می‌شود. آخیلئوس، مرد زور بود (Deneen, 2003: 51) و خشم و پیکار، دو جزء جدانشدنی از شخصیت او برای کسب احترام و همچنین دفاع از حرمتی بود که آگاممنون آن را در میان لشگر لکه‌دار کرده بود. اما هکتور مرد خانواده و مدافع شهر و به‌نوعی اولویت تعهد به انسانیت و شهر، اساس اندیشه او را فرامی‌گرفت. در این بخش، استعاره «نیرو- پویایی»

و استعاره «مانع»، دفاع را در سیاست و جنگ مفهوم‌سازی می‌کند. می‌توانیم استعاره «نیرو-پویایی» را عملیات شناختی‌ای در نظر بگیریم که برای مفهوم‌سازی رویدادها به کار می‌رود. هر وقت یک رویدادی را تعبیر می‌کنیم، درواقع برهم‌کنش میان نیروها را در موقعیت تعبیر می‌کنیم. مفاهیم «آگونیزست» و «آنتاگونیزست» برای بحث در این باره است که چگونه یک هستی در یک رویداد بر هستی دیگر تأثیر می‌گذارد (کوچش، ۱۳۹۹: ۳۹۹). استعاره «مانع»، بخشی از «طرح‌واره ظرف» است که عناصر ساختاری «داخل»، «مرز» و «خارج» را پوشش می‌دهد. دفاع از شهر یا دفاع از حرمت خود می‌تواند «مرز» بین بودن و نبودن را به عنوان یک مانع بازنمایی کند. فروگذاری/فراگذاری عناصر پهلوانی، متناظر است با آگاثوس^۱ و آرته یک قهرمان میدان جنگ (مک‌این‌تایر، ۱۳۹۶: ۲۷)، که در مورد آخیلئوس (هومر) و آژاکس (سوفوکلس) به وقوع پیوست. پادشاه یا قهرمان جنگ علاوه بر اینکه معنای ارزش شناختی دارد، از یک معنای هستی‌شناسی نیز برخوردار است. آنها علاوه بر اینکه به طور کلی در زندگی ذاتاً کارآمد هستند، نسبت به همشهری‌های خود نیز نیک و سودمندند. به دیگر سخن، آنها آگاثوس [= فرد نیکو] و در عین حال برای دیگران آگاثون [= نیک] اند (ارسطو، ۱۴۰۰: ۱۵۷ ب). بنابراین دفاع از شهر، جدا از فضیلتی (آرته) که موجب خوب بودن دارد، سودمند نیز هست.

جدول ۳- انواع استعاره‌های دفاع در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت‌های استعاری
ابزار، مسیرهایی برای رسیدن به مقصد است.	پشتیبانی از کالکاس	آخیلئوس	[کالکاس به آخیلئوس]: سوگند یاد کن که به‌راستی از من در گفتار و کردار پشتیبانی کنی (ایلیاد، ۱: ۳۳).
حمایت، حفاظت است.	پانداروس	سپرهای یاران تروا	یاران وفادارش او را از سپرهای خود پوشانیدند (ایلیاد، ۴: ۱۰۰).
حمایت، حفاظت است.	پاریس	خدایان المپ	[پاریس]: خدایانی هم هستند که پشتیبانی از ما بکنند (ایلیاد، ۳: ۹۵).

بیرون دیوار خندقی ژرف بکنیم که گرداگرد آن را فراگیرد تا راه را بر اسبان و جنگجویان دشمن <u>ببندد</u> (ایلیاد، ۷: ۱۷۳).	ساخت دیوار و خندق	حفاظت از کشتی‌های آخائی	مانع، سد است.
مانند دو درخت بلوط بلند، بر فراز کوهی و ریشه فراوان در زمین، باد و طوفان را خُرد می‌شمارند (ایلیاد، ۱۲: ۲۶۹).	پولیپوئتس و لئونته	پاسبانان دروازه	انسان، گیاه است.

منبع (یافته‌های پژوهش)

عقب‌نشینی

در سیاست، فنون متافیزیکی برای توجیه عقب‌نشینی از مواضع و دیدگاه‌ها و محول کردن آنها به ماوراءطبیعی برای اجتناب از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری امر رایجی است که فراتر از «درست» یا «نادرست» بودن آن، پیامد عمل‌گرایانه، کاربردی و تاکتیکی دارد. شکست/ پیروزی در سیاست و عرصه جنگ، با توسل به این فنون و گفتارهایی که حاوی «طرح‌واره حلقه» هستند، با اقناع مخاطب مفهوم‌سازی می‌شود. آگاممنون با یک عقب‌نشینی تاکتیکی و با توسل به خدایان المپ، به توجیه عمل خود در بی‌حرمتی به آخیلئوس برمی‌آید و می‌گوید: «اگر بر آن بودم که پاداش تو را ببرایم، یا زئوس به خشم آمده، یا سرنوشت، یا یکی از این پروردگاران خشم بودند که در تاریکی‌ها سرگردانند که خشم شوم را در دل من می‌افکندند» (ایلیاد، سرود نوزدهم: ۴۱۹).

آگاممنون برای توجیه عمل خود، آته را مقصر این عمل زشت می‌شمارد که در اسطوره‌های یونان باستان، الهه فاجعه و در تبارشناسی خدایان، فرزند اریس و آخرین موجود متعلق به الهه شب است (هسیودس، تئوگونی، ۱۴۰۰: ۶۳). آته نشان‌دهنده فریب، وهم و تیرگی ذهن است که افراد را به ارتکاب اعمال احمقانه و نسنجیده سوق می‌دهد (Hard, 2020: 61). اما گاهی عقب‌نشینی در سیاست، جنگ و اداره حکومت لازم است و برای به دست آوردن خیر برتر، آن را توجیه می‌نماید. هرچند دلایل این عقب‌نشینی را می‌توان به دو حوزه بیرونی، دخالت اله‌ها و یا حوزه درونی، اراده خود افراد تقسیم نمود.

جدول ۴- انواع استعاره‌های عقب‌نشینی در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت استعاری
عامل‌ها، نیرو هستند.	ترس کاهن	فریاد آگاممنون	پیرمرد از بانگ وی ترسان شد و <u>فرمان برد</u> (ایلیاد، ۱: ۳۱).
جزء، کل است.	پرهیز از جنگ	آخیلئوس	[خطاب آخیلئوس به آگاممنون]: سخنی دارم به تو می‌گویم. <u>بازوهای</u> <u>من در راه دختری [هلن] پیکار</u> <u>نخواهد کرد، نه با تو و نه با دیگری.</u>
اهمیت، اندازه است.	دفاع از میهن، زنان، فرزندان و دارایی	بهای فرار از جنگ	<u>در گریزی شرم‌آور همه چیز را از دست</u> <u>ندهید</u> (ایلیاد، ۱۵: ۳۴۳).
طرح‌واره مرکز- پیرامون	پناهگاه	هکتور	ای پسر من، به پشت دیوارهای ما <u>بازگرد</u> (ایلیاد، ۲۱: ۴۶۹).
استعاره جهتی - فضایی	فرار	گریختن جنگجوی	این جنگجوی، پیش از همه جنگاوران دیگر، پشت کرده بود <u>بگریزد</u> (ایلیاد، ۵: ۱۱۶).

منبع (یافته‌های پژوهش)

مانور

ماهیت سیاسی، نوع خاصی از رابطه «ما/ آنها» و «دوست/ دشمن» است که وجود توده همگون و طرح «رابطه‌ای» بودن هر نظم، گفتار و کردار سیاسی را بازتولید می‌کند (موفه، ۱۳۹۱: ۲۱). در سیاست، برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت و پنهان‌سازی عناصر کاهش قدرت، افزایش یا کاهش می‌یابد. در جنگ نیز عواملی که به یک جنگاور میدان رزم، قوت می‌بخشد، خود سپر، چیره‌دستی در مهارت نیزه، قدرت و نیرومندی است و از کردارهای فاقد ارزش مردانگی دوری می‌گزیند. در این بخش، از استعاره مفهومی «قدرت، بالاست» و «کمیت، اندازه است» استفاده فراوانی شده است. به علاوه با کاربرد استعاره «جهتی - فضایی بالا و پایین»، گزاره مرگ در میدان رزم، بالاترین افتخار (بالا) و

فرار از آن، بالاترین ننگ (پایین) برای یک پهلوان است، قابل فهم می‌شود. یک قهرمان جنگ و یا یک سیاست‌مدار، از مؤلفه‌های «قدرت» که قابل ارزش‌گذاری‌اند، در جهت مانور تبلیغاتی، استفاده می‌کند. برعکس، اگر فردی فاقد عناصر قدرت جسمانی، مهارت جنگ و یا شجاعت در تصمیم‌گیری در مواقع بحران سیاسی باشد، فردی ترسو و مایه خجالت شهر و یا کشور است. هکتور بارها از هیبت زنانه و رفتار تپی از سلحشوری پاریس انتقاد می‌کند و آن را مایه شرمساری ترواییان می‌داند. بنابراین استعاره‌های مفهومی «ترسو، ضعیف است» و «شجاع، قوی است»، بخش مانور را برجسته می‌کند.

جدول ۵- انواع استعاره‌های مانور در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت استعاری
وابستگی، ارتباط است.	عمل (جنگ) و سخن	مبارزه	بازوی مردانه است که سرنوشت نبردها را راست می‌کند؛ سخنان، سرنوشت انجمن‌ها را (ایلیاد، ۱۶: ۳۶۶).
مهم، بزرگ است.	اهمیت نژاد و تبار جنگاوران	انه و آخیلیئوس	ما باید از نام‌های پدران نام‌آور خود آگاه باشیم... نژاد من به زئوس می‌رسد (ایلیاد، ۲۰: ۴۳۷).
حالت‌ها، ظرف‌ها هستند.	خشم	آخیلیئوس	خشم آخیلیئوس، فرزند پله را بسرای (ایلیاد، ۱: ۲۹).
قدرت، بالاست؛ ضعیف، پایین است.	اقتدار زئوس	نیرومندی زئوس	المپ زیر فرمان او [زئوس] است (ایلیاد، ۱: ۵۰).
کمیت، اندازه است.	حجم	لشگر فراوان آخائی	[لشگر آخائی]: گویی از برگ درختان و شن‌های کنار دریا فروز ترند (ایلیاد، ۲: ۷۸).

منبع (یافته‌های پژوهش)

ضد حمله

در سیاست و جنگ، ضد حمله بعد از یک رخداد اتفاق می‌افتد و سیاست‌مدار و یا مرد جنگی ممکن است با پرسش‌ها و اعتراض‌های جدید در رابطه با مخاطبان و همتایان مواجه شود و برای حل و رفع آن، اقدام به عمل و یا عکس‌العمل کند. زیر سؤال بردن اقتدار سیاسی یک فرد و مشروعیت‌زدایی از آن، نمونه‌هایی از مؤلفه ضد حمله است. صفات برجسته قهرمان، همچون «شجاعتی که همیشه متضمن نیروی جسمانی است» (یگر، ۱۳۹۳: ۴۳)، «انجام دادن کارهای بزرگ و نمایان» (همان: ۵۳) و «کارزار همیشگی آنان در میدان جنگ» (همان: ۵۹)، او را به انسانی برتر و بهتر از دیگران قرار می‌دهد.

در برابر قهرمان، ضد قهرمان قرار دارد که صفات و رفتار او شامل زیاده‌خواهی، انتقام‌جویی و قدرت‌طلبی است و می‌تواند هر دو وجه عینی و ذهنی را در برگیرد. تعامل چالش‌برانگیز برکنار از روابط قهرمان و ضد قهرمان ممکن است در بین قهرمانان و یا در رابطه با نقد یک فرمانروا پدیدار شود. در این وضع، چالش قدرت، اقتدار افراد سیاسی را هدف قرار می‌دهد که یا به صورت تدریجی کاهش خواهد یافت و یا از بین خواهد رفت. بنابراین حفظ اقتدار از مبانی اولیه حکومت‌داری است. آخیلیئوس با زیر سؤال بردن اقتدار سیاسی آگاممنون و ضربه به مشروعیت او که در حضور لشکریان اتفاق افتاد، نه تنها شکوه او را لکه‌دار کرد، بلکه با بزدل خواندن او، حرمت او را شکست. از این جهت، استعاره «دیدن، لمس کردن است» و استعاره «حلقه»، ضد حمله را ساختمند می‌کند.

جدول ۶- انواع استعاره‌های ضد حمله در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت استعاری
دیدن، لمس کردن است.	فضیلت شجاعت	جایگاه آگاممنون	زئوس چوب‌دستی به تو داد و تو را بر همه شاهان برتری بخشید، اما آن چیزی را که داشتن آن برتر از همه است به تو نداد، و آن دلی بود که در خطر استوار باشد (ایلیاد، ۹: ۱۹۸).
استعاره حلقه	مشروعیت‌زدایی	کاهن معبد	[آگاممنون به کاهن]: آنگاه دیگر عصای تو و

حتی پیرایه آپولون نمی‌تواند به کار آید (ایلیاد، ۳۱: ۱).			
[خطاب آخیلئوس به آگاممنون]: من بر خود نمی‌پسندم که اینجا بمانم و سرافکنده باشم و تو جاه و مال گردآوری (ایلیاد، ۱: ۳۶).	کسب دارایی آگاممنون	حقانیت‌زدایی	حالت، مکان است.
[خطاب هکتور به پاریس]: آنگاه که آن دلاور [امناس] تو را به خاک تیره افگند، نه چنگی که می‌زنی تو را یاری خواهد کرد، نه آن دهش‌هایی که ونوس به تو ارزانی داشته، تو را سودمند خواهد بود، نه گیسوان تو و نه زیبایی تو (ایلیاد، ۳: ۸۳).	زیبایی پاریس	فضیلت جنگ	زندگی، دارایی گران‌بهاست.
[آخیلئوس]: من آن کسی را که دلش با زبان یکسان نیست چون دروازه‌های دوزخ دشمن می‌دارم (ایلیاد، ۹: ۲۰۷).	آگاممنون	نفاق	نفاق، دورویی است.

منبع (یافته‌های پژوهش)

بن‌بست

جدول ۷- انواع استعاره‌های بن‌بست در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت استعاری
استعاره مرکز- پیرامون	خشم	آخیلئوس	زاده پله، آخیلئوس ایزدی، همچنان در خشم بود. نه به آن انجمن رفت که در آنجا مردم پیروزی به دست می‌آوردند و نه به پیکار رفت (ایلیاد، ۱: ۴۶).
سکون، توقف است.	جنگ علیه تروا	لشگر آخائی	و ما اینک نه سال گذشته است که درین کرانه‌ها مانده‌ایم (ایلیاد، ۲: ۶۳).
مانع، زنجیر است.	ارزندگی جنگاوران	سیاست زئوس	زئوس، بازوهای ما و ارزندگی ما را زنجیر کرده است (ایلیاد، ۱۴: ۳۰۹).

منبع (یافته‌های پژوهش)

ترک مخاصمه

جدول ۸- انواع استعاره‌های ترک مخاصمه در استعاره مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت استعاری
آتش‌بس، توقف است.	آتش‌بس دو لشگر	درخواست مذاکره هکتور	آگاممنون به لشگر خود: ای یونانیان، دست نگاه‌دارید، تیرهای خود را می‌فکنید، چنان می‌نماید که هکتور دلاور می‌خواهد با ما به سخن درآید (ایلیاد، ۳: ۸۴).
پیمان، بند است.	سوگند مقدس	حضور پیام	اما باید که پیام خود (زیرا که پسرانش پیمان‌گسل و سوگندشکن‌اند) بدین هم‌آهنگی سوگند یاد کند، تا هیچ کس پیمانی را که به نام زئوس بسته‌اند نگسلد (ایلیاد، ۳: ۸۴).
آشتی، نزدیکی است.	دوستی	فشردن دست دو هماورد	از گردونه‌های خود فروجستند، دست یکدیگر را فشردند و سوگند دوستی جاودانی یاد کردند (ایلیاد، ۶: ۱۵۳).

منبع (یافته‌های پژوهش)

در سیاست، به‌ویژه در بافت مذاکره، سخن‌گو سرانجام خسته می‌شود و بحث را ترک می‌کند (ترک مخاصمه) و یا طرفین مذاکره، یکدیگر را در پیشبرد بحث و دستاورد جلسه، قانع نمی‌سازد (بن‌بست). بسامد واژگانی مربوط به ترک مخاصمه و بن‌بست به دلیل بافت عصر پهلوانی دوره یونان باستان که اغلب عصر سلحشوری، شجاعت، نامداری، و پیروزی در میدان جنگ است، استثنایی بر قاعده این دو مقوله پیش‌گفته است. بدین‌صورت که بن‌بست و یا ترک مخاصمه تا رسیدن به پیروزی یا پذیرش شکست، موقت است و تا فرجام آن ادامه دارد. به هر صورت استعاره موجود در دو مقوله یادشده شامل استعاره «مسیر» است. در این استعاره، چشم‌انداز «مبدأ، مسیر و هدف» با موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که خروج از مسیر (جنگ)، تغییر استراتژی (جنگ) و یا ترک مسیر (جنگ)، تنها راه‌حل ممکن برای «ادامه مسیر/ ترک مسیر» در مواجهه با «مانع» است.

علل بیرونی ترک مخاصمه یا بن بست ممکن است یا به علت مفاهیم دوستی، خویشاوندی و نزدیکی صورت پذیرد و یا بنا بر تصمیم فردی حاکم، الهام یا تقدیر هاتف غیبی، استوار شده باشد.

تسلیم/ پیروزی

سیاست، آوردگاه سلطه، فرادستی، غلبه، حکمت (افلاطون، ۱۳۸۰: ۴۸۴) و حکومت کردن بر فرودستان، سوژه‌های مقهور قدرت، حاشیه‌نشینان، مخاطبان و افرادی است که حق تأثیر گذاشتن و مشروعیت کاربرد زور، اجبار و اقناع را برای فرمان‌دهی و فرمان‌پذیری در دست دارد. در جنگ نیز هدف، پیروزی و غلبه بر دشمن است و مرگ در راه دفاع از سرزمین و شهروندان، افتخاری است که جامعه به فرد اعطا می‌کند. آخیلئوس در سروده نهم درباره سرافرازی جاودانی و مرگ در راه میهن می‌گوید: «اگر در اینجا بمانم و گرداگرد تروا کارزار کنم، هرگونه امید بازگشت ناروا خواهد بود؛ اما به سرافرازی جاودانی می‌رسم. اگر به کانون خود بازگردم، از زندگانی دراز برخوردار می‌شوم که فاقد سرافرازی جاودانی است» (ایلیاد، سروده نهم: ۲۱۰). سخن آخیلئوس، استعاره مفهومی «سبب، نیرو است» را برای پیروزی در میدان نبرد فرامی‌خواند. پیروزی مورد نظر، علاوه بر شکوه عمل، نام نیک و جاویدان را نصیب قهرمان خواهد نمود و راپسودهای دوره گرد و جامعه یونانی، آن را به نسل‌های بعد یادآوری خواهند کرد. این بزرگ‌ترین افتخار یک جنگجو است. بر این مبنا، مفهوم «پیروزی»، جایگاه مهمی در عصر قهرمانی هومر بازی می‌کند.

الهه پیروزی -نیکه^۱- در اسطوره‌های یونان باستان، دختر پالاس^۲ و استوکس^۳ است. او در آثار یونانی، الهه‌ای بود که پیروزی در هر زمینه‌ای از جمله هنر، موسیقی، جنگ و دوومیدانی را به تصویر می‌کشید. او اغلب در هنر یونانی به عنوان موجودی بالدار در حرکت پرواز دیده می‌شود (Neer, 2010: 135-137). در ادبیات یونانی، نیکه هم به عنوان صفت و هم خدمتگذار زئوس شناخته می‌شود. بنابراین در جنگ و قلمرو سیاست، پیروزی

1. Νίκη (Nike)

2. Παλλάς

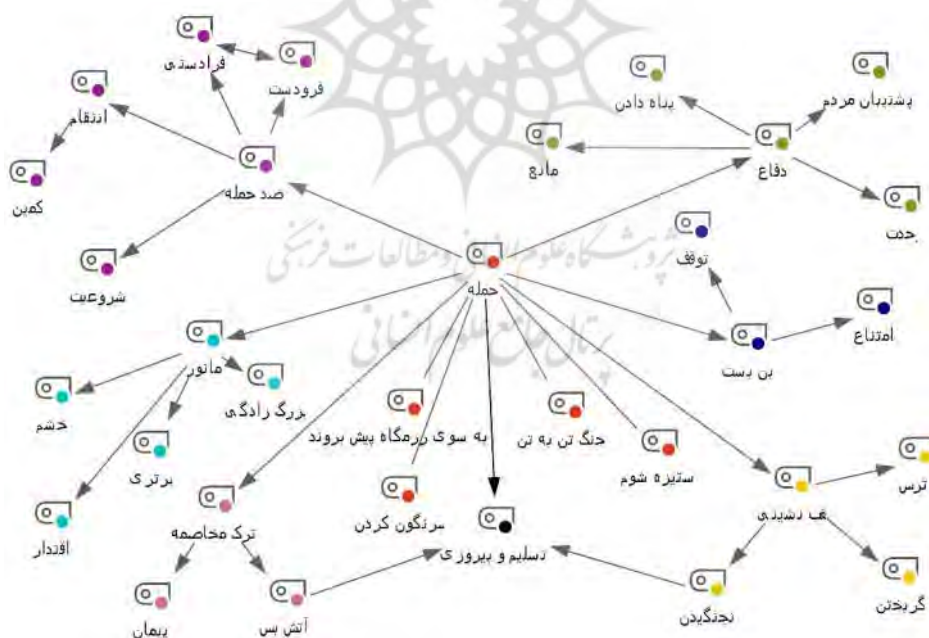
3 Στύξ

بر دشمن و یا تعارضات برآمده از بحران‌های سیاسی/ اجتماعی، بالاترین اولویت را دارد.

جدول ۹- انواع استعاره‌های شکست/ پیروزی در استعاره‌های مفهومی جنگ

نام‌نگاشت	حوزه هدف	حوزه مبدأ	عبارت استعاری
سبب، نیرو است.	پیروزی یا شکست در جنگ	ژئوس	پیروزی به دست خدایان است (ایلیاد، ۱۷: ۳۸۸).
رویداد، کنش است.	گریختن پاریس به میان لشگر	پاریس از جنگ پرهیز می‌کند.	[خطاب هکتور به پاریس]: کار تو [عقب‌نشینی از رویارویی با منلاس]، دشمنان را پیروز می‌گرداند و تو را ننگین می‌کند (ایلیاد، ۳: ۸۳).
گذر زمان نقش علی در رویداد تغییر دارد.	شکست پاریس	حمایت آتنه از منلاس	[پاریس]: امروز منلاس، به یاری آتنه، مرا شکست داد (ایلیاد، ۳: ۹۵).
سبب، نیرو است.	سرنوشت جنگ	ترازوی زرین ژئوس	آنگاه ژئوس مقدر کند کدام‌یک باید پیروز شود (ایلیاد، ۵: ۱۱۶).

منبع (یافته‌های پژوهش)



شکل ۳- روابط نظری تحلیل داده‌های کیفی مقوله‌های استعاره جنگ

نسبت جنگ با سایر پارادایم‌های سیاست و امر سیاسی

در تحلیل هستی‌شناسی سیاسی، سیاست و امر سیاسی، درگیر رابطه‌ای متقابل است که بر اساس آن، سیاست‌شناسی و سیاست‌ورزی به‌مثابه دو روی سکه متجلی می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۹۶: ۳۳). امر سیاسی، ماهیتی رابطه‌ای دارد و سیاست به‌مثابه کانون پیوند امر فلسفی و امر سیاسی (یا نظریه و عمل)، عرصه فعلیت‌یابی امکان‌های بالقوه متنوع و متکثر تحقق وجودی انسان و جامعه سیاسی او بوده است. بر این اساس علم سیاست، علاوه بر اینکه معطوف به مطالعه نظریِ چگونگی عملکرد نظام سیاسی است، برای خود دارای غایت یا هدف عملی ناظر بر دستیابی به زندگی خیر و عادلانه در جامعه سیاسی بوده است. بدین گونه بین شکوه زندگی و مرگ در میدان جنگ و یا یک زندگی راحت و عمر طولانی، هر کدام از جنگاوران یونانی، یعنی آخیلئوس و اودوسئوس، یکی را انتخاب می‌کنند. آنکه به قصد انتقام و افتخار در میدان جنگ کشته می‌شود و عمر کوتاهی دارد (ایلیاد، ۲۲: ۴۷۸؛ اودیسه، ۳: ۶۰۴) و دیگری که با هزار چاره‌گری و حيله (اودیسه، ۱: ۵۷۳)، راه زندگی طولانی را انتخاب می‌کند. به دیگر سخن، شکوه جاودانگی^۱ و بازگشت به خانه^۲، دو شیوه عمل زندگی یا تقابل دو امر «واقعیت» و «ارزش» است.

هومر در ایلیاد و اودیسه، تلاش دارد تا این دو شیوه از زندگی را که در واقع بین «سیاست» و «امر سیاسی» در نوسان است، به نمایش بگذارد؛ چراکه انتخاب چگونگی زندگی به‌مثابه موضوعی «هستی‌شناسانه» در چارچوب امر سیاسی است و به عرصه تمایزی از زندگی انسانی یا ظرفیت انسانی معطوف است و مسئله علم سیاست، حوزه شناخت‌شناسانه را در برمی‌گیرد (نظری، ۱۴۰۰: ۲۶). از این لحاظ، فعالیت سیاسی، نوعی پراکسیس است که به «تولید» (پوئسیس) مربوط است و تئوریا، نوع دیگر پراکسیس که نه ابزار یا تولیدکننده چیزهای دیگر، بلکه هدفی در خود است (بال، ۱۴۰۰: ۱۱۵). از این جهت می‌توان منظومه گفتاری هومر را بر اساس رویکرد دوجوهی دلالتی-پارادایمی (منوچهری، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۴-۴۵) بررسی کرد.

1. Kleos

2. Nostos

دلالت اول، دلالت تاریخی- وضعیتی است. در ایللیاد به چرایی و چگونگی جنگ، خشم و اعاده نظم پرداخته می‌شود. دومین دلالت، دلالت بنیادین است. تعبیر هومر از انسان و سعادت با محوریت آرته پادشاهان و قهرمانان در شکوفاهی شهر و اینکه آنها به مثابه انسان‌های الهی- زمینی بازتابی از زیبایی، قدرت و فرهنگ والا هستند، نوع و شیوه زندگی را تعریف می‌کند. سومین دلالت، دلالت هنجاری است. مفاهیم آیدوس، تیمه، پارسیا^۱ و فیلوس، وضعیتی را فراهم می‌کند که دستیابی افراد جامعه به خیر و مصلحت جمعی را برای یک زندگی مطلوب فراهم می‌کند. اعتراض ترسیت (نقش آزادی بیان و پارسیا) و مفهوم دوستی بین آخیلئوس و پاتروکلوس، نمونه‌هایی از این دلالت‌های هنجاری است. چهارمین نوع دلالت، دلالت راهبردی است. ریشه اقتدار آگاممنون به دلیل در اختیار داشتن عصای پادشاهی از زئوس و حق داوری در میان یونانیان است. زیر سؤال بردن اقتدار به عنوان اولین کارکرد حکومت‌داری، به کاهش مشروعیت و شکست منجر می‌شود. تریسیت و آخیلئوس به نوعی اقتدار آگاممنون را زیر سؤال می‌برند. و سرانجام پنجمین دلالت، دلالت‌های کاربردی- عملی است. غایت نهایی سرودهای هومر در چارچوب الگوگرایی اشراف والاتبار، تربیت (پایدا) و ترسیم عرف و قانون کسنیایی است. شهروند متعلق به پولیس است و هر فرد، حق و وظیفه‌ای مشخص از این جامعه دارد. بنابراین کردارهای متنوع سیاست و شیوه‌هایی که جامعه تأسیس می‌شود، در ایللیاد و اودیسه بازتاب می‌آید.

نتیجه‌گیری

مفهوم سیاست، اصطلاحی پُر معنی است و علاوه بر هنر حکومت کردن و سازش و اجماع، روی دیگر آن، دستیابی به قدرت، عمل و جنگیدن است. در میدان سیاست همانند میدان جنگ، وجود دوست/ دشمن، عرصه را برای پیکار، دفاع، عقب‌نشینی، مانور، ضد حمله، تسلیم و یا پیروزی از موضع، ایده، دیدگاه و منافع که از دو وسیله جنگ (عمل) و سخن‌آرایی تشکیل شده است، فراهم می‌کند. استخراج استعاره مفهومی

1. Παρρησία (Parrhesia)

جنگ برای فهم حوزه سیاست، روش نوینی از زیرشاخه علوم شناختی، رشته زبان‌شناسی شناختی است که جورج لیکاف و مارک جانسون در دهه ۱۹۸۰ آن را تکامل بخشیدند و توانست پدیده‌های زندگی روزمره، از جمله سیاست و حوزه‌های وابسته به حوزه عمومی را در فرایند شناختی مورد استنباط قرار دهد و با تعمیم‌دهی آن به سایر چارچوب‌های دینی، اقتصادی، فرهنگی به بسط آن کمک نماید. جانسون استعاره‌های مفهومی را که بر اساس رویکرد حسی- حرکتی و برآمده از ذهن بدنمند است، به عنوان یک زیربنای کارکردی اصول پایه که در همه‌جا کاربرد دارد، طراحی کرد و ادعا نمود که استعاره‌های از نوع طرح‌واره‌های تصویری، مرکز- پیرامون، ظرف، جزء- کل و حلقه از رایج‌ترین موارد کاربردی در پیکره زبانی و گفتاری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این استعاره‌ها در سیاست و کتاب ایلید نیز وجود دارد.

کتاب ایلید منتسب به هومر، سیاست و جنگ بر اساس دوست/ دشمن، دفاع از جامعه و فرمان‌دهی در میدان جنگ، مفهوم‌سازی می‌شود. بسامد بالای واژگان دشمن (۲۰۴)، فرمانده (۱۴۳)، میدان (۹۳)، انتقام (۵)، کمین (۲۹)، ویرانی و نابودی (۹۸) و پیروزی (۱۵۲)، هم‌پوشانی واژگان کاربردی پیامدهای میان سیاست و جنگ را که پایه و اساس هر دو مقوله است، نشان می‌دهد. بنابراین مفهوم‌سازی زبان سیاست گفتاری و نوشتاری با توجه به ساختاربخشی منسجم تجربه که برگرفته از رویدادهای عینی، تجربی و روزمره است، احساس در جنگ بودن ناشی از تجربه قرار گرفتن در یک موقعیت جنگ‌گونه را با ادراک و کنش کسی که در جنگ و سیاست درگیر است، متناظر نموده، به ساختمان شدن انسجام استعاره‌ای کمک می‌کند.

بنابراین کاربرد روش استعاره مفهومی که ریشه در ذهن بدنمند دارد، در مفهوم‌سازی سیاست به چند اصل کلیدی مشترک بین تجربه، سیاست و جنگ منتهی می‌شود:

۱. مفهوم‌سازی سیاست و شناخت جسمانی، یک رابطه پویا و یک وضعیت برهم‌کنشی با محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی است.

۲. مفهوم‌سازی سیاست و شناخت جسمانی، مشکل‌محور است و نسبت به نیازها، علائق و ارزش‌های موجود عمل می‌کند و از فنون الهیاتی و ناسوتی برای اقناع‌سازی، الگوسازی و فهم‌پذیری استفاده می‌کند.

۳. مفهوم‌سازی سیاست و شناخت جسمانی، فرایندی تکاملی از دگرگونی، تغییر و انتخاب است و در لحظه‌های گوناگون، از استعاره مناسب در سیاست استفاده می‌شود.

۴. بنابراین پاسخی سازگار نسبت به موقعیت جاری است که «خوب عمل می‌کند».

۵. و سرانجام، مفهوم‌سازی سیاست و شناخت جسمانی اغلب رویکردی «اجتماعی» دارد و فراتر از یک موجود منفرد است و با همیاری دیگران اجرا می‌شود.

به علاوه پیامد نظری و عملی استعاره جنگ با پراکسیس، تناظر مفهومی دارد. هومر، نظریه و عمل یا به تعبیری سیاست و امر سیاسی را کاملاً جدا و متمایز از هم نمی‌داند؛ چراکه تا پیش از محوریت «فلسفه سیاسی» افلاطون و ارسطو، این دو محور از یکدیگر متمایز نبود؛ به این دلیل که «تئوریا» یا فعالیت نظریه‌پردازی و مشارکت سیاسی، هر یک در اندازه محدود، آشکالی از پراکسیس بودند. به زبان ارسطویی، امر سیاسی در قالب دومین روش زندگی در جامعه یونان باستان متجلی می‌شود که محدود به «پراکسیس سیاسی» است. در این روش، زندگی «عملی» یا «سیاسی»، روش زندگی سیاست‌مدار یا فرمانده است که در مسیر سرنوشت و مسائل روزمره پولیس قرار دارد. این روش، ماهیتی موقتی، انسانی، امکانی، پویا و در چارچوب «هویت رابطه‌ای» (ما/ آنها و دوست/ دشمن) است؛ برعکس در سیاست - که به زبان هایدگری، ماهیت اُنْتیک دارد و با حوزه تجربی مشخص می‌شود - ابدی و ثابت است. به همین دلیل امر سیاسی، بُعد آنتاگونیسم و متخاصم حوزه عمومی است و باز هم اگر بخواهیم به زبان هانا آرنست تبیین نماییم، کنش سیاسی در جایگاه بالایی در جامعه عصر قهرمانی هومر قرار دارد. کسی که به عنوان عضو مسئولیت‌پذیر پولیس عمل می‌کند، عمل او هرگز به «پایان نمی‌رسد»، زیرا هر کنش سیاسی به «دیگران» نیاز دارد [هویت رابطه‌ای، فضای تخصم دوست/ دشمن بین تروا و آخائیان]، اما قهرمانان می‌توانند در هر لحظه به هدف خود رسیده باشند که همانا «عمل کردن» به عنوان «انسان خوب» است. از طرف دیگر، پولیس صحنه «نمایش» است که افراد، استعدادهای خود را نمایش می‌دهند و خود را در ملأ عام می‌نشانند.

شرم یا آیدوس قهرمان در حوزه عمومی و حفاظت از شهر و پیکار با دشمنان، «سیاست» را به «زور» تقلیل می‌دهد؛ زیرا شجاعت، وظیفه‌شناسی و احساس افتخار به کنش آنها مرتبط است. از این رو کلیدی‌ترین گفتار هومر در سرود نهم ایلید اتفاق می‌افتد، آنجا که فونیکس به آخیلئوس به زبان استعاره‌ای از هنر جنگ (عمل، پراکسیس سیاسی و بُعد تخصم امر سیاسی) و سخن‌آرایی (سیاست و نظریه‌پردازی) سخن می‌گوید. بدین جهت کتاب ایلید، بازتاب جنگ و به‌نوعی پراکسیس و عمل است که به قصد آنتاگونیسم وضع موجود و گشودگی امکان‌های زندگی اجرا می‌شود.



منابع

- ارسطو (۱۴۰۰) اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ پنجم، تهران، طرح نو.
- اشمیت، کارل (۱۴۰۰) مفهوم امر سیاسی، ترجمه سهیل صفاری، چاپ چهارم، تهران، نگاه معاصر.
- افلاطون (۱۳۸۰) دوره آثار افلاطون، جلد دوم، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ سوم، تهران، خوارزمی.
- اونز، وی‌ویان و ملانی گرین (۱۳۹۹) الف- ب زبان‌شناسی شناختی [۱]، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ دوم، تهران، آگاه.
- اونگرر، فریدریش و هانس یورگ اشمیت (۱۳۹۷) مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران، آگاه.
- بال، ترنس (۱۴۰۰) «افلاطون و ارسطو: وحدت نظریه و عمل در برابر استقلال نظریه و عمل»، در: نظریه سیاسی و پراکسیس، ترجمه نرگس تاجیک نشاطیه، چاپ دوم، تهران، پگاه روزگار نو، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- تقی‌لو، فرامرز (۱۳۹۶) «از سیاست‌شناسی تا سیاست‌ورزی: هستی‌شناسی نسبت سیاست و امر سیاسی»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۲، پاییز و زمستان، صص ۲۹-۵۲.
- <http://political.ihss.ac.ir/Article/12138>
- جانسون، مارک (۱۳۹۹) ذهن جسمانی، معنا، و خرد: چگونه بدن‌های ما به فهم منجر می‌شود، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران، آگاه.
- چارتریس- بلک، جان‌اتان (۱۳۹۸) تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی- پیکره‌ای، ترجمه یکتا پناه‌پور، قم، لوگوس.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۹) مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی، چاپ سوم، تهران، علم.
- شتمر، پ (۱۳۹۴) «فضیلت»، در: فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه. سرویراستار یوآخیم ریتز و دیگران، ویراستاران فارسی محمدرضا حسینی بهشتی و بهمن پازوکی، ترجمه احمد رجبی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ مؤسسه فرهنگی- پژوهشی نوارغنون، صص ۳۴۲-۳۵۸.
- فروند، ژولین (۱۴۰۰) سیاست چیست؟، ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ سوم، تهران، آگاه.
- کرافت، ویلیام و آلن کروز (۱۳۹۸) زبان‌شناسی شناختی، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران، آگاه.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۴) استعاره در فرهنگ: جهانی‌ها و تنوع، ترجمه نیکتا انتظام، تهران، سیاه‌رود.
- (۱۳۹۸) استعاره: مقدمه‌ای کاربردی، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ سوم، تهران، آگاه.

----- (۱۳۹۹) زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای مفید و کاربردی، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ سوم، تهران، آگاه.

گاتری، دبلیو. کی. سی (۱۳۷۵) تاریخ فلسفه یونان (۱۰)، سوفسطائیان (بخش نخست): ویژگی‌های کلی، دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، ترجمه حسن فتحی، تهران، فکر روز.
لی، دیوید (۱۳۹۷) زبان‌شناسی شناختی: یک مقدمه، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران، آگاه.
لیتوسلیتی، لیا (۱۳۹۶) روش‌های تحقیق در زبان‌شناسی، ترجمه مریم‌سادات فیاضی، رشت، دانشگاه گیلان.

لیکاف، جورج (۱۴۰۰) قلمرو تازه علوم شناختی: آنچه مقوله‌ها درباره ذهن فاش می‌کنند، کتاب یکم، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ چهارم، تهران، آگاه.
لیکاف، جورج و مارک ترنر (۱۳۹۹) فراسوی عقل سرد: راهنمای تخصصی استعاره شعری، ترجمه مونا بابایی، تهران، نویسه پارسی.

لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۴۰۰) استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم؛ به پیوست مقاله نظریه معاصر استعاره، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ چهارم، تهران، آگاه.

----- (۱۳۹۹) فلسفه جسمانی: ذهن جسمانی و چالش آن با اندیشه غرب، جلد اول، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ چهارم، تهران، آگاه.

مک‌اینتایر، السدر (۱۳۹۶) تاریخچه فلسفه اخلاق، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، حکمت.
منوچهری، عباس (۱۳۹۵) فراسوی رنج و رؤیا: روایتی دلالتی - پارادایمی از تفکر سیاسی، جلد اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام؛ موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

موفه [موف]، شانتال (۱۳۹۱) درباره امر سیاسی، ترجمه منصور انصاری، تهران، رخداد نو.
نظری، علی‌اشرف (۱۴۰۰) تحلیل امر سیاسی: فهم بنیان‌های نظری متأخر، تهران، دانشگاه تهران.

هسیودس (۱۴۰۰) تئوگونی هسیودس، ترجمه فریده فرنودفر، تهران، دانشگاه تهران.
هومر (۱۳۹۳) ایللیاد و اودیسه، ترجمه سعید نفیسی، چاپ دوم، تهران، هرمس.

هیوود، اندرو (۱۴۰۰) سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دهم، تهران، نشرنی.
یگر، ورنر (۱۳۹۳) پایدیا، جلد اول، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.

Boeynaems, Amber.; Burgers, Christian.; Konijn, Elly A.; Steen, Gerard J (2017) "The Effects of Metaphorical Framing on Political Persuasion: A Systematic Literature Review", *Metaphor and Symbol*, 32:2, 118-134, DOI: 10.1080/10926488.2017.1297623.

Deneen, Patrick J (2003) *The Odessey of Political Theory: The Politics of Departure and Return*, Maryland: ROWMAN&LITTLEFIELD PUBLISHERS, INC.

- Gibbs, Raymond. W. Jr (2017) Metaphor, Language, and Dynamical Systems, In: The Routledge Handbook of Metaphor and Language. Edited by Elena Semino and Zsofia Demjen. NY: Routledge. Pp. 56-69.
- Hammer, Dean (2002) The Iliad as Politics: The Performance of Political Thought. Oklahoma: University of Oklahoma Press.
- Hard, Robin. (2020) The Routledge Handbook of Greek Mythology. Eighth Edition. London and New York: Routledge Taylor&Francis Group.
- Langacker, W. Ronald (1987) Foundations of Cognitive Grammar, Vol. 1.: Theoretical Prerequisites, Stanford: Stanford University Press.
- Neer, Richard. (2010) The Emergence of the Classical Style in Greek Sculpture. University of Chicago Press.
- Stojan, natasa; Novak Mijic, Sonja (2019) "Conceptual Metaphors in Political Discourse in Croatian, American and Italian Newspapers", In: Academic Journal of Interdisciplinary Studies, 8 (1), pp. 69-76. Doi: 10.2478/ajis-2019-0007.

